بنگاه

افزایش سرمایه ۴۲ درصدی شگویا تصویب شد

مجمع‌عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده و نیز مجمع‌عمومی فوق‌العاده شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام) با نماد «شگویا» با حضور اکثریت سهامداران برگزار شد.

به گزارش روابط‌عمومی و امور بین‌الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان، در مجمع‌عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که ۶ اردیبهشت‌ماه، سالن همایش‌های شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس برگزار شد، اعضای حقوقی هیأت‌مدیره شرکت پتروشیمی شهید تندگویان شامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی، شرکت فجر انرژی خلیج‌فارس، شرکت پتروشیمی بندر امام و شرکت توسعه نفت و گاز صبا کارون برای یک دوره دوساله انتخاب و ابقا شدند. همچنین در مجمع‌عمومی فوق‌العاده شرکت نیز در همان تاریخ و پس از اتمام مجمع اول، باهدف افزایش سرمایه از محل سود انباشته و با حضور اکثریت سهامداران برگزار شد.

در جریان این مجمع، پس از استماع گزارش‌های ارائه‌شده و بررسی دستور جلسه، سهامداران با افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۲۳,۹۵۷,۶۶۶ میلیون ریال به ۳۴,۰۰۰,۰۰۰ میلیون ریال، معادل ۴۲ درصد، از محل سود انباشته، موافقت کردند.

این تصمیمات در راستای بهبود ساختار مالی، بهره‌مندی از مشوق‌های مالیاتی، توسعه تولید و زیرساخت‌ها و جلوگیری از خروج نقدینگی شرکت اتخاذ شده است.

توسعه گردشگری ریلی با همکاری هگتا و راه‌آهن

مدیرعامل هلدینگ گردشگری تأمین اجتماعی (هگتا) در دیدار با معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، راه‌های گسترش همکاری در حوزه گردشگری ریلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های صنعت حمل‌ونقل ریلی برای توسعه گردشگری کشور را بررسی کردند.

به گزارش روابط عمومی هگتا، در این نشست که معاونین هگتا و معاون امور مسافری راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران نیز حضور داشتند، دو طرف با تأکید بر اهمیت گردشگری ریلی به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران، بر ضرورت برنامه‌ریزی مشترک برای توسعه سفر با قطار و طراحی تورهای گردشگری ریلی در مسیرهای مختلف کشور تأکید کردند. براساس این گزارش، همکاری مشترک میان راه‌آهن و هگتا، برای شناسایی ظرفیت‌های موجود و فعال‌سازی بخش‌های مرتبط با گردشگری بویژه در شرایط پساجنگ از جمله محورهای اصلی این دیدار بود. در همین راستا، معرفی سازه‌ها و بناهای تاریخی راه‌آهن که دارای ارزش‌های فرهنگی و معماری کشور هستند، به عنوان جاذبه‌هایی برای بازدید گردشگران داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفت. همچنین در این نشست بر استفاده از ظرفیت‌های اقامتی راه‌آهن در سراسر کشور برای طراحی و اجرای تورهای گردشگری و افزایش تنوع خدمات سفر تأکید شد. از دیگر محورهای مطرح‌شده در این دیدار، همکاری راه‌آهن با هگتا برای برگزاری پویش «دل ایران» در قطارها و ایستگاه‌های مسافری بود؛ پویشی که با هدف گرامیداشت یاد شهدای مدرسه «شجره طیبه» میناب و شهدای کشور برگزار خواهد شد.

این دیدار با هدف تقویت تعاملات میان صنعت حمل‌ونقل ریلی و حوزه گردشگری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک برای توسعه گردشگری داخلی و معرفی هرچه بهتر جاذبه‌های ایران برگزار شد.

درآمد کارمزدی ۳۸ میلیارد تومانی در جدیدترین گزارش عملکرد بانک سرمایه

گزارش عملکرد یک ماهه منتهی به پایان فروردین سال ۱۴۰۵ بانک سرمایه، از افزایش محسوس و قابل توجه درآمدهای کارمزدی این بانک خبر می‌دهد.

به گزارش روابط عمومی بانک سرمایه، طبق داده‌های منتشر شده این بانک در گزارش عملکرد یک ماهه منتهی به پایان فروردین سال ۱۴۰۵، مبلغ ۳۸ میلیارد تومان درآمد کارمزد برای «سمایه» در یک ماه محقق گردیده است.

گفتنی است بانک سرمایه در بازه مذکور موفق به کسب ۴۵ میلیارد تومان درآمد از محل تسهیلات اعطایی شده که از این میان، ۶۷ درصد (معادل ۳۰ میلیارد تومان) مربوط به درآمد تسهیلات مرابحه بوده است. همچنین مقایسه درآمدها و هزینه‌های کارمزدی این بانک در فروردین ماه، نشان دهنده عددی مطلوب و قابل توجه در مانده خالص درآمدهای حاصل از اخذ کارمزدهای بانکی است.

سعید لیلاز، کارشناس اقتصادی می‌گوید خرابی‌های جنگ رمضان با جنگ هشت‌ساله قابل قیاس نیست

بازسازی ممکن است؛ اگر بوروکراسی کنار برود

گفت و گو

بمانجان ندیمی/ گروه اقتصادی- «جهاد اکبر» کلیدواژه آغاز بازسازی‌های خسارات پس از جنگ است. جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی تا امروز، سه جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته است. در جنگ تحمیلی اول که هشت سال طول کشید، تجاربی برای بازسازی‌هایی که قابل قیاس با جنگ رمضان نیست، به دست آمد که می‌توان امروز از آنها برای تسریع کردن ترمیم خرابی‌ها استفاده کرد. این گفت‌وگو با «سعید لیلاز» کارشناس اقتصادی، روایتی است تاریخی از وضعیت ایران پس از جنگ ۸ ساله و ترسیم شرایط کشور پس از جنگ رمضان. روایتی که به وضوح مشخص می‌کند نه تنها خسارات ناشی از جنگ رمضان به اندازه جنگ تحمیلی هشت ساله نیست، بلکه ایران امروز، روی پای خود ایستاده و می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان به پیش از جنگ رمضان بازگردد. او اعتقاد دارد ایران به اندازه سال ۶۷ به خارج از کشور وابسته نیست و خوشبختانه در این سال‌ها توان تولید داخلی بالایی دارد. بنابراین بازسازی زیرساخت‌ها با تکیه بر توان داخلی کشور در زمان کوتاهی انجام خواهد شد. همان‌طور که راه‌ها و فرودگاه‌های کشور با وجود حملات دشمن، توانسته‌اند به مدار فعالیت برگردند.

لیلاز در بخشی از سخنان خود می‌گوید: «ترساندن مردم از نابودی زیرساخت در کشور به نوعی کمک به دشمن است. باید واقعیت‌ها را شفاف کنیم. کشور ما هم امکانات فنی و هم دانش مهندسی برای بازسازی تمام زیرساخت‌ها و خرابی‌های کشور را حتی بهتر از قبل از حمله دارد.»

او در این گفت‌وگو به این سؤال که «چه اقداماتی باید انجام شود که بازسازی‌ها سرعت بگیرد؟» نیز پاسخ می‌دهد و از برخی موانع می‌گوید. مشروح گفت‌وگو با سعید لیلاز را در ادامه می‌خوانید.

گفت‌وگویمان را از اینجا شروع می‌کنم که با توجه به آتش‌بس فعلی، به نظر می‌رسد باید بازسازی‌ها آغاز شود. آقای رئیس جمهور هم بر این امر تأکید کرده‌اند و از آن به عنوان «جهاد اکبر» نام برده‌اند. ما در بازسازی پس از جنگ، تجربه تاریخی جنگ تحمیلی را در کارنامه دولت‌های بعد از انقلاب داریم. سؤال مشخصم این است که چه تفاوتی بین بازسازی جنگ تحمیلی هشت ساله و جنگ تحمیلی رمضان وجود دارد؟ در آن دوره دولت وقت چنان در رویه بازسازی پیش رفت که به دولت «سازندگی» معروف شد. آیا شرایط حال حاضر کشور قابل مقایسه با آن دوره هست؟

به اعتقاد من شرایط به طور کلی و در مجموع حتماً بهتر از زمان پس از جنگ تحمیلی هشت ساله است. اگر بخواهم دقیقتر توضیح بدهم در تابستان ۱۳۶۷ تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت ثابت، ۲۵ درصد کمتر از سال ۱۳۵۵ بود. یعنی یک سقوط آزاد بسیار بزرگ و تاریخی. علتش هم این بود که برخلاف چیزی که بیشتر مردم تصور می‌کنند، سال ۵۶ در اقتصاد ایران سال عقبگرد بزرگ اقتصادی بود. به عبارتی دو سال قبل از انقلاب، اقتصاد ایران با وضعیت نامطلوبی مواجه شد و یکی از عوامل انقلاب این بود که سال ۵۶ رشد اقتصادی به دو درصد محدود شد. این در حالی بود که سال‌ها ایران رشد دو رقمی اقتصادی را تجربه می‌کرد.

چرا این عقبگرد در سال ۵۶ رخ داد؟

در واقع اقتصاد ایران از پاییز ۱۳۵۵ به دلیل فساد مضاعف و اینکه منابع به جای سرمایه‌گذاری به سمت پرداخت یارانه‌ها و همینطور اتلاف و هدررفت می‌رفت، به علاوه اینکه تورم بسیار بالا که ساختاری شده بود، در این چاله افتاد. شما اگر به اسناد سازمان برنامه و بودجه در پاییز ۵۶ مراجعه کنید، صحت این موضوع را تأیید می‌کند. ولی عموماً این مورد غفلت قرار می‌گیرد که وقوع انقلاب، پیش‌بینی خود سازمان برنامه بودجه بود. توجه داشته باشید که پاییز ۵۶ هنوز ناآرامی‌ها در ایران شکل نگرفته بود. در مجموع از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۷ به مدت ۱۲ سال تقریباً به صورت متوالی، رشد اقتصادی ما یا متوقف بود یا منفی و سرمایه‌گذاری در کشور به حداقل خود رسیده بود. به گونه‌ای که در تابستان ۱۳۶۷ و در پایان جنگ تحمیلی اول، تولید ناخالص داخلی ایران ۲۵ درصد کمتر از سال ۱۳۵۵ بود. برمی گردم به سؤال اول شما. البته سال ۶۷ یک تفاوت به لحاظ جغرافیایی نیز وجود داشت. محدوده خرابی‌ها بسیار گسترده‌تر بود. در حدود ۲۰ تا ۳۰ کیلومترمربع محدوده منطقه جنگی مستقیم بود. چند میلیون نفر آواره جنگی روی دست کشور مانده بود. بنابراین شرایط بعد از جنگ تحمیلی هشت ساله به مراتب قابل قیاس با شرایط حال حاضر نیست. از سوی دیگر موجودی اقتصادی کشور بسیار کمتر از الان بود.

پس شما اعتقاد دارید که بازسازی پس از جنگ رمضان در فضای کاملاً متفاوت از گذشته و با تسهیلات بهتری امکان پذیر است؟

بله من می‌گویم که هیچ جای نگرانی برای ترمیم زیرساخت‌ها وجود ندارد. ببینید در سال ۶۷ تقریباً زیرساختی برای کشور نمانده بود که مستهلک نشده باشد یا از بین نرفته باشد. از پس آن برآمدیم. در مقام مقایسه، ایران امروز هم به لحاظ مادی هم به لحاظ جغرافیایی هم به لحاظ آسیب‌دیدگی جمعیتی اصلاً قابل مقایسه با سال ۱۳۶۷ نیست. من متهم به این هستم که چرا خرابی زیرساخت‌ها را دست کم می‌گیرم. در این میان یک نکته بسیار مهم وجود دارد که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد و البته ناشی از بی‌اطلاعی افرادی است که آن را مطرح می‌کنند. اطلاعاتی که من دارم نشان می‌دهد تفاوت بسیار بنیادین این دوره با سال ۶۷ این است که ما در آن سال‌ها تقریباً همه کالاها را از خارج از کشور وارد می‌کردیم. یعنی وابستگی کامل به واردات. اما امروز که با هم صحبت می‌کنیم، تقریباً همه چیز را در داخل تولید می‌کنیم. اگر هم چیزی در داخل کشور تولید نمی‌شود به دلیل ناتوانی ما در تکنولوژی و دانش نیست. بلکه به این دلیل است که باید دید از نظر اقتصادی آیا تولید آن کالا به صرفه است یا نه. اقتصادی بودن تولید امری صددرصد متکی به سیاست‌های دولت‌هاست.

یعنی نظر شما این است که سیاستمداران ما دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که تولیدات به صرفه را در داخل کشور به سرانجام برسانند و تولیداتی که مقرون به صرفه نیست را وارد کنند؟ بسیاری از کارشناسان همیشه از این موضوع انتقاد کرده‌اند.

توجه داشته باشید که اقتصادی بودن یا نبودن یک کالا را سیاست دولت مشخص می‌کند. می‌خواهم در این مورد یک مثال بزنم. در سال ۱۴۰۳ که دولت چهاردهم روی کار آمد، در شهریور ماه حدود ۱۷ و نیم درصد به قیمت خرید تضمینی گندم اضافه شد.

طی نامه‌ای که به درخواست دفتر رئیس جمهوری بود به این میزان افزایش، نقدهایی وارد کردم. استدلالم هم این بود که وقتی قیمت خرید تضمینی ۲۱ هزار تومان است، تولید گندم در ایران صرفه کمی خواهد داشت. در آن برهه، به دلایلی به پیشنهاد من توجهی نشد و این تصمیم عملی شد.

بعداً ناچار به واردات گندم به قیمت بالاتر از ۲۱ هزار تومان شدیم. امسال قیمت خرید تضمینی گندم ۴۹ تا ۵۰ هزار تومان است و به باور من افزایش قیمت آن تا ۷۰ هزار تومان هم جا دارد. چراکه اگر بخواهید همین گندم را از خارج وارد کنید ۷۰ هزار تومان آب می‌خورد. بنابراین آنچه که اقتصادی بودن تولید یک کالا را تشکیل می‌دهد سیاست‌های دولت است.

من می‌گویم اگر شما دلار دارید آزاد هستید که هر چه می‌خواهید وارد کنید. به شرطی که کالا استراتژیک نباشد. مثلاً در بخش گندم به هر قیمتی شده باشد باید به خودکفایی برسیم. اغلب کشورهای دنیا هم چنین هستند .

برآیند صحبت شما این است که ما می‌توانیم بسیار راحت‌تر از جنگ تحمیلی هشت ساله، بازسازی را انجام دهیم. چراکه امروز ما هرچه می‌خواهیم را می‌توانیم در کشور تولید کنیم و وابستگی بسیار کمی به واردات داریم. در جنگ رمضان چند مجموعه صنعتی مورد حملات قرار گرفت. آیا در مورد بازسازی آنها هم همین نظر را دارید؟

همان‌طور که قبلاً هم گفتم من معتقدم ما پروژه‌ای در ایران نداریم که از ساخت داخلی‌اش ناتوان باشیم. این حرفم یعنی بازسازی هر مجموعه‌ای که در جنگ رمضان آسیب دیده و معتقدمکاملاً با توان داخلی در مدت کوتاه امکان پذیر است. شاید فرق اساسی من با برخی دوستان که از حمله به زیرساخت می‌ترسند هم در همین موضوع است. مردم باید بدانند که اگر ما چاره‌ای جز مقاومت داشتیم، بنده هم حتماً می‌گفتم زیرساخت‌ها را نگذارید بزنند.

ولی وقتی دولتمان و سیاستمدارانمان هر پیشنهاد و راهی را روی میز طرف مقابل می‌گذارند و او هم اول قبول می‌کند و یک ساعت بعد می‌زند زیر میز، چه چاره‌ای جز مقاومت وجود دارد؟ ترساندن مردم از نابودی زیرساخت در کشور به نوعی کمک به دشمن است. باید واقعیت‌ها را شفاف کنیم. کشور ما هم امکانات فنی و هم دانش مهندسی برای بازسازی تمام زیرساخت‌ها و خرابی‌های کشور را حتی بهتر از قبل از حمله دارد.

اقتصاد پس از جنگ چگونه خواهد شد؟ با توجه به تجربه کشورمان در جنگ تحمیلی اول، شما چه چشم‌اندازی را برای اقتصاد کشور پس از جنگ رمضان متصور هستید؟

تمام تجربیات جنگی چه در ایران چه در سایر کشورها نشان می‌دهد پایان جنگ، آغاز دوره رشد اقتصادی و رونق اقتصادی، حتی بیشتر از دوره قبل از جنگ بوده است. ما زمانی که در تیرماه سال ۱۳۶۷ مصالحه کردیم و آتش‌بس ۵۹۸ را پذیرفتیم تا پاییز ۱۳۷۰ طول کشید تا توانستیم حجم تولید ناخالص داخلی ایران را برگردانیم به سال ۵۵ و همان‌طور که گفتم در آن سال رکود بود. اما مشابه این اتفاق که تحریم‌های اولیه آمریکا در سال ۱۳۹۱ اعمال شد و دست کم از جنگ نداشت، تنها یک سال و نیم طول کشید که به سطح تولید ملی قبل از تحریم برگردیم. پس از آن همزمانی تحریم‌های ترامپ و کرونا ضربه شدیدی به اقتصاد ایران زد. اما فقط ۱۸ تا ۲۰ ماه وقت لازم داشتیم تا تولید ناخالص داخلی را به رکورد سال ۱۳۹۶ یعنی قبل از این دو ماجرا برسانیم. توجه داشته باشید که این آمار را من نمی‌گویم، آمارهای رسمی و دولتی است و موجود است. بنابراین در مورد بازسازی چند نکته را لازم است اشاره کنم. اول آنکه بنده با اغراق بسیار مخالفم. حجم خرابی‌های رمضان آن قدر نیست که قابل بازسازی نباشد. نسبت به جنگ ۸ ساله که اصلاً قابل قیاس نیست.

جالب اینجاست که بنده در دوران جنگ هم ادعا می‌کردم که این حجم خرابی به سرعت قابل بازسازی است و شما الان می‌بینید که تمام راه‌ها برقرار شده و فرودگاه‌ها تا ۹۵ درصد بازسازی شده است.

در مورد سایر زیرساخت‌ها اصلاً جای نگرانی وجود ندارد. اینکه برخی دوستان از روی بی‌اطلاعی فکر می‌کنند که اگر زیرساخت‌ها را بزنند، کل کشور در خاموشی فرو می‌رود، اشتباه است. آنها شاید نمی‌دانند که به اندازه یک سوم ظرفیت کل تولید برق فعلی ایران، پروژه خورشیدی در کشور اجرا می‌شود. بنابراین حتی اگر آمریکا بخواهد یک سوم ظرفیت تولید برق نیروگاهی ایران را از بین ببرد، ۵۰ نیروگاه را باید مورد حمله قرار دهد و ما تازه به جای اولمان در تولید برق برمی‌گردیم. متأسفانه یا خوشبختانه علم اقتصاد بر عدد و رقم مستقر است و دوستانی که چنین تشویشی دارند و ایجاد می‌کنند یا از عدد و رقم‌ها مطلع نیستند یا اغراض دیگری دارند و از این دو حال خارج نیست.

شما در مسیر بازسازی چه موانعی می‌بینید؟ چه اقداماتی باید انجام شود که بازسازی‌ها سرعت بگیرد؟

ببینید من در مسیر بازسازی، یک «اگر» بزرگ دارم و آن بوروکراسی‌های حاکم بر کشور است. متأسفانه بدنه بوروکراسی حاکم بر دستگاه‌های اجرایی بسیار کرخت است. دولت‌ها به خاطر بازرسی‌ها، حسابرسی‌ها و فسادها به سمت ناکارآمدی می‌روند. شما می‌بینید که اتخاذ یک تصمیم در درون دولت با وجود پیچ و خم‌های اداری وزارتخانه‌ها فوق‌العاده دشوار شده است.

اما یک روزنه روشن را در دولت دکتر پزشکیان در دوران جنگ دیدم که بسیار اقدام تأثیرگذار و کارآمدی بود و آن، تفویض اختیار به استانداران بود. یکی از کارهای بسیار اساسی همین است. دولت باید برای تسریع بازسازی‌ها اختیارات ویژه بدهد. اگر همین روند ادامه پیدا کند و وزرا نیز چنین اختیاراتی را به مدیران کل تفویض کنند، سازمان بازرسی کل کشور و نهادهای نظارتی نیز به کمک بیایند، من به شما قول می‌دهم پایان امسال را در حالی سپری خواهیم کرد که ۹۰ درصد کل خرابی‌های جنگ ساخته شده است.

در سال ۶۷ تقریباً زیرساختی برای کشور نمانده بود که مستهلک نشده باشد یا از بین نرفته باشد. از پس آن برآمدیم. در مقام مقایسه، ایران امروز هم به لحاظ مادی هم به لحاظ جغرافیایی هم به لحاظ آسیب‌دیدگی جمعیتی اصلاً قابل مقایسه با سال ۱۳۶۷ نیست

در مسیر بازسازی، یک «اگر» بزرگ دارم و آن بوروکراسی‌های حاکم بر کشور است. متأسفانه بدنه بوروکراسی حاکم بر دستگاه‌های اجرایی بسیار کرخت است. دولت‌ها به خاطر بازرسی‌ها، حسابرسی‌ها و فسادها به سمت ناکارآمدی می‌روند

برش

توان مهندسی ما باقی است

براساس اطلاعاتی که دارم می‌توان تا آخر سال حداقل نصف پتروشیمی و فولاد را ترمیم کرد و تا نهایتاً ۱۴۰۶ بازسازی آن را به پایان رساند. ممکن است کمی عسلویه به طول بینجامد که آن هم در همین بازه زمانی می‌گنجد.

تأکید می‌کنم ما تمام توانمندی‌های تولید را داریم. با اینکه وقتی زیرساخت مورد هدف قرار می‌گیرد، نقشه‌ها و فونداسیون‌ها باقی می‌ماند و توان مهندسی‌مان از بین نمی‌رود. باز هم یادآور می‌شوم که ما چاره‌ای جز مقاومت نداشتیم.

مگر یک کشور می‌تواند بگوید که من خودکشی را به مرگ ترجیح می‌دهم؟ این واهمه‌ای که دوستان از حمله به زیرساخت‌ها دارند یعنی ما باید خودکشی کنیم که نمیریم.

بنگاه

قطار دیپلماسی خوزستان در ایستگاه ناصریه عراق

یادداشت

نعیم حمیدی

در جغرافیای سیاست، گاهی یک سفر فراتر از پروتکل‌های مرسوم، به یک «بیانیه راهبردی» تبدیل می‌شود. سفر اخیر دکتر سید محمدرضا موالی‌زاده، استاندار خوزستان به استان ذی‌قار عراق و شهر تاریخی ناصریه، دقیقاً از همین جنس است.

در حالی که ۵۰ روز اخیر برای خوزستان، ایامی آمیخته با ایستادگی در برابر تهاجمات استکبار و سوگ جانسوز مقتدایمان امام خامنه‌ای(ره) بود، حرکت قطار دیپلماسی استان به سمت جنوب عراق، نشان داد که مدیریت ارشد خوزستان «میدان» و «دیپلماسی» را دو بال غیرقابل تفکیک برای صیانت از منافع ملی می‌داند.

اما چرا «ناصریه»؟ و چرا در این مقطع زمانی؟

دیپلماسی در سایه ولایت علوی

ناصریه تنها یک مرکز اداری در جنوب عراق نیست؛ این شهر با جمعیتی بالغ بر ۸۶۰ هزار نفر، کانون تپنده فرهنگ شیعی و غیرت عشایری است.

حضور استاندار در شهری که مقام امیرالمؤمنین(ع) را در آغوش دارد، پیوندی معنوی ایجاد کرد که ریشه در تاریخ دارد. استاندار خوزستان حضور در این خاک مقدس، نشان داد که پیوند خوزستان و ذی‌قار نه روی کاغذ، که بر بستر اعتقادی مشترک بنا شده است.

قدرشناسی از وفاداری مردم عراق به رهبری و ملت ایران

دشمن در محاسبات خود گمان می‌کرد با ترور و تهاجم، ایران را منزوی خواهد کرد. اما خروش عشایر غیور ذی‌قار و ناصریه در سوگ رهبر حکیم انقلاب، تمام معادلات را برهم زد. سفر استاندار خوزستان به قلب ناصریه پیش از آنکه جنبه اقتصادی داشته باشد، یک «دیپلماسی قدرشناسی» بود. تکریم عشایری که با برپایی مجالس عزا و حضور در نمازهای جمعه، هم‌سنگری خود را با ملت ایران ثابت کردند، پاسخی قاطع به تلاش‌های تفرقه‌افکنانه رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه بود.

اقتصاد مرزی؛ پدافند غیرعامل در برابر تحریم

تشکیل «کمیته مشترک اقتصادی» میان خوزستان و ذی‌قار، گامی عملیاتی برای دور زدن فشارهای بین‌المللی است. ناصریه به عنوان چهارمین شهر بزرگ عراق و همسایه استراتژیک ما در حاشیه فرات، بازاری بکر برای خدمات فنی، مهندسی، کشاورزی و به‌ویژه «گردشگری سلامت» خوزستان است. فعال‌سازی این ظرفیت‌ها یعنی تقویت معیشت مردم در دو سوی مرز و تبدیل تهدید جنگ به فرصت توسعه.

پیام اقتدار و ثبات:

در روزهایی که بدخواهان بر طبل ناامنی می‌کوبند، حضور مقتدرانه عالی‌ترین مقام دولت در خوزستان در شهر ناصریه و گفت‌وگو درباره پروژه‌های صنعتی و تجاری، پیامی جز «ثبات و اقتدار» ندارد. این سفر نشان داد که مدیریت ارشد استان تحت زعامت رهبر انقلاب، آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای، با اشراف کامل بر تحولات منطقه‌ای، به دنبال بازسازی نقش تاریخی خوزستان به عنوان «دروازه تمدنی و اقتصادی» ایران به جهان عرب است. ایستگاه ناصریه، پایان مسیر نیست، بلکه آغاز فصلی نوین در روابط منطقه‌ای خوزستان است. قطار دیپلماسی استان با عبور از ریل مشترکات مذهبی (از مرقد اولادالحسن(ع) تا مقام ابراهیم غمر)، اکنون به سرعت‌گیری برای توسعه همه‌جانبه تبدیل شده است. این حرکت هوشمندانه در ۵۰ روز اخیر، ثابت کرد که خوزستان نه تنها در دفاع نظامی، بلکه در نبرد اراده‌ها و دیپلماسی اقتصادی نیز پیشقراول ایران اسلامی است.